# حافظهای میان دو چشم؛ «کاذُنُ الفأرة»

یک زمانهایی ممکن بود مسخره کنند ولی الآن که اینها را بهاحتی میگوییم، روایت را ببینید؛

ظاهراً در بحارالانوار[1] باشد. من قطعاً دیدهام. یک زنی بود، محضر امیرالمؤمنین علیهالسلام خیلی بیادبی کرد. کلمات زشت و تند و فحشگونه بیخودی گفت. محضر ولی خدا بود. حضرت هر طور صلاح بدانند ما که نمیفهمیم. ولی این اذن خدا بود. حضرت فرمودند پاشو برو، تویی که به شوهرت خیانت کردهای و ... . یک دفعه حالش به هم ریخت که چیزی را که احدی جز خدا خبر نداشت، حضرت اشاره کردند. لذا او پا شد و رفت. راوی میگوید محضر حضرت عرض کردیم که آقا شما چطور این را فهمیدی؟ خب ما علم امام و قدرت امام به عوالم ملکوت، نامه عمل قدیس را میدانیم؛ اینها که چیزی نیست. حضرت یک چیزی فرمودند که برای امروز ما خیلی خوب است. یعنی گفتند غیر از اینکه بگویند «عندنا کتاب حفیظ»[2]، یک نامه عملی دارید که در جای دیگری ثبت است، همین بدن فیزیکی شما هم حامل اعمال شما است. اینکه « وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَٰذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا  وَوَجَدُوا مَا عَمِلُ

حاضراً»[3]، چند جا ثبت است. امروزه در فضای اطلاعات، «mirror» میگویند که اطلاعات چند جا ثبت میشود. یکی خدا آنجا ثبت کرده، «عندنا کتاب حفیظ». یکی هم همینجا است؛ حضرت فرمودند: هر کسی هر کاری کرده ای میکند، خدای متعال آنها را بین عینین او میگذارد، پشت این استخوان جمجمه، در یک موضع بسیار ریزی «کاذُنُ الفأرة»؛ مثل گوش موش. حضرت فرمودند من به این گوش موش نگاه کردم! در این گوش موش نگاه کردم و این را دیدم. خب خدای متعال به ولی خود اذن میدهد؛ تا زمانیکه شخص از حد نگذراند خدا هم می پوشاند، اولیاء خدا هم میپوشانند. ولی او از حد گذراند. آنجا اذن الهی بود که حضرت گفتند.

---

[1] بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج1، ص: 354 و بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج24، ص: ۱۲۶

[2] ق۴

[3] الکهف۴۹

---

بازبینی #2
ایجاد شده 17 نوامبر 2025 14:40:41 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 نوامبر 2025 13:12:22 توسط ... .